

ترانه‌های عامیانه کودکان

علی صادقی^۱

چکیده

در مقاله حاضر که با موضوع ترانه‌های محلی با تاکید بر ترانه‌های عامیانه کودکان ارائه شده است، سعی بر آن بوده که با رویکردی فرهنگی به این موضوع پرداخته شود و با استفاده از روش‌هایی مانند مشاهده مشارکتی، مصاحبه با بهره‌گیری از دیدگاه‌های نظری چون کارکردگرایی پارسونزی و بحث، ساخت اجتماعی و دیدگاه کارکردگرایانه مالینوفسکی به سؤالاتی از این قبیل که: آیا ترانه‌ها در انتقال فرهنگ بومی تأثیرگذارند؟ و آیا ترانه‌ها به عنوان پدیده‌ای اجتماعی دارای کارکرد هستند؟ و سؤالاتی از این دست که در متن به آنها اشاره خواهد شد، پاسخ داده شود.

کلید واژه‌ها: فرهنگ عامه، ترانه‌های محلی، لالایی‌ها، ترانه‌های بازی

مقدمه

ترانه را می‌توان حوزه غیر رسمی شعر دانست، چنانچه قصه را می‌توان حوزه غیررسمی داستان و رمان نامید. این رسمیت نداشتن هر چند سبب شده است تا

۱. کارشناسی ارشد مردم‌شناسی (Alimoqadds21q@yahoo.com)

نخبگان و فرهیختگان کمتر به این حوزه غیررسمی توجه و رغبت نشان دهند، اما در مقابل حوزه رسمی (شعر)، ترانه‌ها همواره از صمیمیت و مقبولیت عام بیشتری برخوردار بوده‌اند.

شعر رسمی در طول تاریخ در خدمت مناسبت‌های متعلق به طبقات فرادست جامعه بوده، درحالی‌که ترانه‌های عامیانه به جهت مناسبت‌هایی زمزمه شده که به اقشار فرودست جامعه تعلق داشته است؛ مناسبت‌هایی از قبیل کارهای خانه، مزرعه، هنری، دستی، صنعتی و...

این مناسبت‌ها از چنان تنوعی برخوردارند که از لالایی برای بچه تا کارهایی از قبیل نمد مالی و... را دربرمی‌گیرد.

در گذشته این ترانه‌ها که عموماً آبخور آن لهجه‌های محلی بوده است، در حوزه ادبیات رسمی جایی نداشتند و علمای ادب، اساساً گویش‌های محلی را «زبان فاسد» می‌نامیده‌اند.

چنین است که ترانه‌های محلی جدا از حوزه‌های رسمی شعر و ادب در اعماق ذهن مردم کوچه و بازار تولد یافته، زندگی کرده، و حفظ شده است (احمد پناهی سمنانی، ۱۳۶۸: ۹)

معرفی مسئله، هدف و ضرورت

واقعیت این است که دوره‌های ناشناخته و مبهمی در تاریخ ملت ما وجود دارد که پژوهشگران را در عرصه‌های پژوهش و بررسی با گسیختگی و ابهام در تسلسل منطقی این ادوار تاریخی رو به رو می‌سازد و یکی از این ابهامات تاریخی، در فرهنگ‌های اقوام ایران زمین و به خصوص ویژگی‌های فرهنگی اهالی خطه الموت مشاهده می‌شود.

با وجود منابع و اسناد پراکنده و منقطع فراوانی که درباره این خطه وجود دارد، تدوین سیر منطقی فرهنگ اهالی آن کاری بس مشکل و طاقت فرساست و پژوهش‌های صورت گرفته از سوی گزارشگران دولتی و خارجی موثق و دقیق به نظر نمی‌رسند؛

چرا که آنها از یک سو با زبان فارسی آشنایی نداشتند و از سوی دیگر از دیدگاه شخصی و بر اساس مقایسه با فرهنگ خود به تحلیل قضایا پرداخته‌اند.

با وجود تلاش این پژوهشگران، باید این واقعیت را پذیرفت که بررسی فرهنگ یک خطه در قالب مردم‌شناسی نیاز به کنکاش درونیات مردم آن منطقه در طول زمان و مکان دارد و قدر مسلم پژوهشگر در بررسی خود دچار نارسایی‌هایی خواهد بود، چرا که این فرهنگ‌ها تغییراتی را به خود پذیرفته‌اند و از همین رو باید به میان آنها رفت و با نفوذ در اندیشه آنان ترانه‌ها و آداب و رسوم گذشته ایشان را جستجو کرد.

تاریخ حکایت از این دارد که قوم ایرانی هر عارضه فرهنگی، اعم از سیاسی، مذهبی، اجتماعی را که چه با جبر و چه با اختیار پذیرفته، در فرهنگ خود استحاله‌ای خاص بخشیده و عناصر ذهنی و فلسفی دلخواه خود را در آن نفوذ داده است. بدین ترتیب صور گوناگون ترانه‌های ملی را باید تبلور اندیشه‌ها و تجارب قومی ایران دانست. (احمد پناهی سمنانی، ۱۳۶۸: ۷).

ترانه‌های هر ملتی ساده‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین جلوه‌های حیات آن ملت را در فشرده‌ترین عبارات ارائه می‌دهند؛ عباراتی ساده که فرهنگ و تاریخ را با خود حمل می‌کنند.

از آنجا که اغلب عناصر فرهنگ عامه - مثل باورها، اعتقادات، ضرب‌المثل‌ها، قصه‌ها و ترانه‌ها - شفاهی هستند، در اثر تعاملات اجتماعی و سینه به سینه منتقل می‌شوند، بنابراین مجموعه این عناصر بیشتر در سینه و اذهان افراد مسن جای دارند و اگر به موقع برای ثبت و ضبط آنها تلاش نشود، دستخوش تغییر و دگرگونی و ترکیب فرهنگی می‌گردند یا به تدریج از خاطره‌ها فراموش می‌شوند.

علاوه بر این، فرهنگ‌های محلی در نتیجه روابط متقابل با سایر مناطق و استفاده از رسانه‌های جمعی، مهاجرت و غیره دستخوش تغییر یا ترکیب و اختلاط می‌شوند، بنابراین ثبت این ترانه‌ها محافظت از خرده فرهنگ‌های محلی جامعه است.

تعریف مفاهیم

ادبیات شفاهی: مجموعه‌ای از اطلاعات احساسی و ادراکی انسانهاست که در طول تاریخ پدید آمده و به صورت قالب‌های مختلفی جلوه‌گر شده است. این احساسات و اطلاعات از طریق گفتار، سینه به سینه منتقل گردیده و مهم‌ترین عامل و تنها محمل آن زبان است. (محمد آقا محمدی، ۱۳۷۴: ۱۱). از جمله ویژگی‌های ادبیات شفاهی، سادگی، ایجاز، انعطاف‌پذیری، ترجمان ناخودآگاه، عمومیت در فهم و قانون‌گریزی است.

فرهنگ عامه: فرهنگ با گستردگی تعریف‌ها و توصیف‌ها تمامی میراث اندیشه‌ها، رفتارها، تجربه‌ها، آیین‌ها و ابزارسازی انسان را شامل می‌شود. از میان تعاریف متعدد به تعریف تایلر^۱ در کتاب «فرهنگ ابتدایی» بسنده می‌کنیم. «فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای است که شامل معارف، معتقدات، هنر، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، آیین‌ها و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که خود به عنوان عضو جامعه از جامعه خود فرامی‌گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی برعهده دارد.»

فرهنگ بخش‌های متنوعی دارد؛ مانند فرهنگ روستایی، شهری، عشایری، فرهنگ طبقاتی، ماشینی، ایرانی اسلامی و... (محمود روح‌الامینی، ۱۳۸۰: ۸).

اما فرهنگ مورد نظر ما فولکلور است که فرهنگ عوام یا فرهنگ توده در مقابل آن واژه انتخاب شده است. قلمرو فرهنگ عامه گسترده است، ذهنیات هر فرد از باورها، پندارها اندیشه‌ها و سخن و ادب عامه انباشته است. بخشی از رفتار اجتماعی مثل آداب رفت و آمد، آداب سفر، آداب زندگی و... و تدابیری که انسان برای برآوردن نیازهای اولیه از قبیل خوراک، پوشاک و غیره می‌اندیشد نیز گوشه‌ای از فرهنگ عامه را نشان می‌دهد.

«فولکلور» تعریف و ویژگی‌های آن: فولکلور مرکب از دو جز «فولک» (folk) و

۱. ادوارد تایلر Edward ylor دانشمند انگلیسی و از بنیانگذاران دبستان انسان‌شناسی فرهنگی

«لور» (lore) است که در فارسی جزء اول توده عامه و عوام و بخش دوم دانش، آگاهی، حکمت و... ترجمه شده است و اصطلاحات فرهنگ عامه، فرهنگ مردم و فرهنگ توده برای آن آورده شده است.

«فولکلور» در ابتدا تنها محدود به ادبیات شفاهی بود، اما بعدها دامنه کنجکاوی علمی خود را توسعه داد و تمامی آداب و رسوم و معتقدات و تکنیک‌ها و هنرهای عامیانه، جشن و بازی‌ها، حقوق و... را دربرگرفت.

ویژگی‌های فولکلور: وارنیاک در کتاب «Definitions de folklore» سه خصیصه را برای فولکلور در نظر گرفته است:

- ۱- «فولکلور» بر میراث و اصول تمدنی قدیم و کهن بنا شده است.
- ۲- «فولکلور» بر هیچ‌گونه روش علمی و استدلال منطقی استوار نیست؛ یعنی نه معلمی آن را تدریس می‌کند و نه از کتاب و نوشته‌ای می‌توان آموخت و عاری از هرگونه آرایش روشنفکری و پیدایش نظری است.
- ۳- همین ویژگی عاری بودن از تحول روشنفکری و نظری باعث شده است در جریان اشاعه اصول تمدن جدید که از روش و تأثیر فرهنگ اشراقی الهام گرفته، فولکلور بدون اینکه با آنها ترکیب شود، در کنارشان قرار گیرد و در نتیجه عناصر بسیار قدیمی را تقریباً دست نخورده حفظ کند و این پدیده در هنرهای عامیانه تجلی می‌یابد. (محمود روح‌الامینی ۱۳۷۹: ۲۶۷).

پیشینه ترانه‌ها: صادق همایونی از جمله پژوهشگران و نویسندگانی است که در زمینه فرهنگ مردم ایران و ترانه‌های محلی به پژوهش و نگارش پرداخته است. او در این مورد می‌گوید: ترانه‌های محلی با ابعاد گوناگون و زمینه‌های متفاوت و شیوه‌های متنوع آن، از ترانه‌ها و اشعار ایران کهن پیش از اسلام نشئت گرفته‌اند و بهترین نمونه آن در گات‌های زرتشت مشاهده می‌شود. البته هندی‌ها در این زمینه «وداها» را دارند. (صادق همایونی، ۱۳۸۰: ۱۰).

مبانی نظری

همانطور که از عنوان این مقاله برمی آید مهمترین موضوع مورد مطالعه، «نمای زندگی کودکان» است که این پدیده می تواند از زاویه های گوناگون مورد تلاش انسان شناسانه قرار بگیرد. نظریه گویا در این زمینه نظریه فرهنگ و شخصیت است یعنی همان چیزی که ادوارد ساپیر، روث بندیکت، رالف لیتون، آبراهام کاردینر و مارگارت مید بدان توجه کرده اند. فرانس بواس از زاویه خاصی به شکل گیری زندگی انسان در جهان فرهنگ توجه می کند. او بین فرهنگ و شخصیت رابطه بسیار مهمی برقرار می کند و مارگارت مید از شاگردان و پیروان او به این آموزه ها توجه نموده و در بلوغ در ساموا در خصوص ارتباط فرهنگ و شخصیت و اهمیت انسان شناسی آن چنین توضیح می دهد:

« در انسان شناسی تأکید بر فرهنگ و شخصیت بسیار مهم است به قدری که ارتباط بین این دو پدیده با یکدیگر می تواند انتقال فرهنگی یا Cultural transformation را در فرآیند شکل گیری شخصیت کودکان تبیین و نهایتاً فرایند شکل گیری اجتماعی شدن افراد را به ما معرفی نماید... بنابراین مهمترین هدف انسان شناسی باید بررسی الگوهای آموزشی یا Educational patterns باشد تا بتوان بدین وسیله نفوذ فرهنگ بر فرد و رابطه بعد غالب در هر شخصیتی را با فرهنگ درک کرد» (ناصر فکوهی، ۱۳۸۱: ۲۰۶-۲۰۷).

با این توضیحات ما نیز در این مقاله، ترانه های عامیانه را به عنوان عنصری فولکلوریک به فرهنگ ارتباط داده و آنرا نیز عنصری فرهنگی می دانیم و بنا بر آموزه های مارگارت مید شکل گیری، تحول پذیری، فرهنگ یابی یا Enculturation افراد را در یک جامعه تابع آن می دانیم و در این نگارش چگونگی تأثیر گذاری فرهنگ بر شکل گیری شخصیت جامعه مورد مطالعه را از طریق نگاه انسان شناسی (Anthropological) توضیح می دهیم.

کودکانه ها

بخش عظیم و قابل توجهی از ترانه های عامیانه، به کودک و امر تربیت و سرگرم

کردن او اختصاص دارد. این ترانه‌ها به شیوه خاصی تنظیم شده‌اند، یعنی بار عاطفی ویژه‌ای در آنها دیده می‌شود.

نویسنده‌ای می‌گوید: «ترانه‌های کودکان، به اندازه‌ای با روحیه و زندگی بچه متناسب است که همیشه نو و تازه مانده و چیز دیگری نتوانسته جانشین آنها شود (صادق هدایت، ۱۳۷۹: ۲۹۷).

ترانه‌های کودکان فقط به ترانه‌های خواباندن منحصر نمی‌شود، بلکه علاوه بر لالایی‌ها، ترانه‌های بازی را نیز شامل می‌گردد.



۱- لالایی

یکی از کهن‌ترین ترانه‌های کودکان در فرهنگ عامه «لالایی» است و از زمان‌های دور و در فرهنگ‌ها و آداب ملل گوناگون وجود داشته و در فرهنگ‌های مختلف با عناوین مختلفی به آن پرداخته شده است؛ همچون لالایی، لالای، لالا، لولو، لابی، دودو، بوبو و... (تیمور گورگین، ۱۳۷۵: ۸).

گورگین در کتابش آورده است، برخی تعابیر در اجزای واژه لالایی قابل تأمل است. در فرهنگ‌ها، لا (ماخوذ از زبان فرانسه) نام حرف ششم از حروف هفتگانه نت موسیقی است؛ برای لفظ لالا، غلام، بنده، چاکر، خفتن در زبان طفل، آواز نرم مادران و دایگان برای خواباندن کودک ضبط شده است.

ناگفته نماند که هدف اصلی لالایی‌ها خواباندن کودک است و به صورت آهنگین خوانده می‌شود. نکته قابل توجه آنکه کودک مفاهیم این لالایی را درک نمی‌کند و تنها از آهنگ آن لذت می‌برد، پس می‌توان گفت تنها خواننده لالایی از لذت درک مضامین آن بهره‌مند است.

محتوا و مضامین لالایی‌های ایرانی بیشتر بر محور این مضامین قرار دارد، بی‌آنکه محدود بر این محورها باشد:

- ۱- بیان آرمان‌ها و آرزوهای مادر برای فرزند که بزرگ و دانش‌آموخته شود، عروسی کند، بچه‌دار گردد، به ثروت و مقام برسد و...
 - ۲- ستایش کودک و تشبیه او به گل‌ها و موجودات خوب و زیبا مثل گل لاله، فندق، پونه، یاس و...
 - ۳- دعا کردن به جان کودک و از خدا و پیامبر و ائمه تندرستی او را خواستن و قربان صدقه او رفتن
 - ۴- بیان دردها و رنج‌های مادران، گلایه از پسرदार نشدن، غریب بودن و کس و کار نداشتن، دوری پدر و مجبور به جدا زندگی کردن و ترس از آوردن هوو.
 - ۵- ترساندن بچه از موجودات پنهانی مثل دیو، جن، شیطان، لولو و...
- شعرای معاصر به قالب لالایی توجه داشته و برخی مضامین سیاسی - اجتماعی را هم در این چارچوب سروده‌اند. از شعرای دوران مشروطیت، اشرف گیلانی و در زمان ما احمد شاملو لالایی‌های سیاسی ساخته‌اند.
- ناب‌ترین تجلی عواطف مادری در «لالایی» نهفته است. در بسیاری از لالایی‌ها، گواراترین عاطفه انسانی موج می‌زند. به این ترتیب در این قالب شعری با صادقانه‌ترین و شفاف‌ترین رنگین‌کمان روح آدمی خاصه زن رو به رو می‌شویم. این لالایی‌ها آینه تمام‌نمای دردهای زن در جوامع پیچیده انسانی است و با موشکافی در محتویات آن می‌توان عامل تحولات اجتماعی را به سادگی بررسی کرد.

موضوعات مطرح شده در لالایی‌ها

تنوع موضوعات در لالایی‌ها به تعداد مشکلات، آرزوها، علایق و سلایق انسانی است. آداب و رسوم و ارزش‌های هر منطقه‌ای بر محتوای لالایی‌ها اثرگذار است. برخی از مضامین موجود در لالایی‌ها از موارد ذیل تأثیر گرفته است:

۱- ارزش‌های اجتماعی مانند شجاعت، مهمان‌نوازی، مردسالاری (ترانه پسر)

۲- شرایط و موقعیت اجتماعی و اقتصادی که در مثال‌های ذیل آمده است:

در منطقه الموت مرسوم است که وقتی به در خانه فردی مراجعه می‌شود، حتماً حتی برای چند لحظه، به منزل او قدم گذاشته شود. آنها ورود مهمان به خانه را موجب افزون شدن برکات خانه می‌دانند.

lâlay lâlay gole âlâleye man	لالای لالای گل آلاه من
baken kafš o biyo be xaneye man	بکن کفش و بیو به خانه من
baken kafš o biyo tu qâli sar	بکن کفش و بیو تو قالی سر
ajab nazi dâri xâket mini sar	عجب نازی داری خاکت مینی سر

ترجمه

لالا لالای گل آلاه من

کفش را بیرون بیاور و به خانه من بیا

کفش را بیرون بیاور و بر سر قالی بیا

عجب نازی داری خاک تو سر من باشد.

واژه‌ها: بیو: (biu) بیا

در بسیاری از روستاهای الموت افرادی هستند که برای اشتغال به شهر می‌روند، ولی در آنجا دچار مشکلاتی می‌شوند که در لالایی ذیل این نگرانی آمده است:

lâlâ lâlâ gole pune	لالا لالا گل پونه
azizom neyr bahune	عزیزم نیر بهونه
piaret sâkene tehrâne	پیرت ساکن تهرانه
az in kêresh pašimâne	از این کارش پشیمانانه

ترجمه

لالا لالا گل پونه
عزیزم بهانه نگیر
پدرت ساکن تهران است
و از کارش پشیمان است
واژه‌ها: پیرت (Piaret): پدرت

نیر بهونه (neyr bahune): بهانه نگیر

ارزش پسر دار بودن، هم در لالایی ذیل مطرح شده است:

Lâlâ lâlâ golam bâši	لالا لالا گلم باشی
To munese delam bâši	تو مونس دلم باشی
Doâ kardam pesar bâši	دعا کردم پسر باشی
To hamraye padar bâši	تو هم‌رای پدر باشی

کارکرد لالایی‌ها

مهمترین کارکرد لالایی‌ها در آرامش روانی متقابل مادر و فرزند است. در لالایی، کودک سنگ صبور مادر است؛ یعنی مادر خواسته‌ها، آرزوها، عقده‌ها، و نداشته‌هایش را به شکل لالایی برای فرزندش می‌خواند و روح فرزند نیز با این آهنگ‌های دلنواز آرامش می‌یابد.

Lâlâ lâlâ gole qâli	لالا لالا گل قالی
Bâbât rafte jâyeâš xâli	بابات رفته، جایش خالی
Lâlâ lâlâ gole gandom	لالا لالا گل گندم
To râ gahvâre mibandom	ترا گهواره می‌بندم
Lâlâ lâlâ gole fandoq	لالا لالا گل فندق
Nanat rafte sare sandoq	نه‌نه‌ت رفته سر صندوق
Lâlâ lâlâ gole zire	لالا لالا گل زیره
Bâbât rafte zan begire	بابات رفته زن بگیره
Nanat az gose mimire	نه‌نه‌ت از غصه می‌میره
Lâlâl lâlâ meye mahpâre	لالا لالا می‌مه‌پاره
Palang dar kuče minâle	پلنگ در کوچه می‌ناله

۲- ترانه‌های بازی کودک

تحرک، هیجان و... هدف اصلی ترانه‌های بازی برای کودک است. در برخی از ترانه‌های بازی، پرندگان و حیوانات هم شرکت دارند. کارکرد ترانه‌های بازی رها شدن نیروهای ذخیره شده در بدن کودکان است. ترانه‌های بازی‌ای هم وجود دارند که کودکان به شکل گروهی می‌خوانند یا به شکل پرسش و پاسخ و مناظره انجام می‌شود.



کارکرد و نقش بازی‌ها

شخصیت اجتماعی فرد به واسطه ایفای نقش‌های اجتماعی تکوین می‌یابد. کودک به تدریج زبان را فرا می‌گیرد و به وسیله تمرین‌هایی که در «خودی‌ساختن» نقش دیگران به عمل می‌آورد، رفتار خود را معنا می‌کند. در راستای چنین روندی، من فاعلی فرد به نفع من مفعولی او تضعیف می‌گردد. انواع بازی به کسب مهارت‌ها و شکل گرفتن رفتار اندیشمندانه کودک کمک فراوان می‌کند. به نظر مید وظیفه اصلی بازی نزد کودک انسان، ایفای نقش و تکوین شخصیت اجتماعی و تمرین آزاد در مناسبات و روابط گروهی است (توسلی، ۱۳۶۹: ۳۱۰).

کودک از طریق بازی خود را در شبکه نقش‌ها قرار می‌دهد... در جریان بازی خصلت جدیدی به توانایی کودک اضافه می‌شود و کودک را از طریق نماد با دیگران مربوط می‌کند... که مید آن را «تعمیم دیگران» می‌نامد. منظور مید از تعمیم دیگران در اصل به معنی برقراری رابطه وسیع با دیگران است. در برقراری روابط با دیگران، فرد از طریق استفاده از نماد به ایجاد تصویری از اجتماع در درون خود می‌رسد. و بدین ترتیب در طی بازی‌ها شخصیت کودک رشد می‌کند. طرفداران نظریه کنش متقابل نمادی می‌گویند، فرد از کنش متقابل نمادی به مجموعه‌ای ثابت از تعاریف مربوط به خویشتن می‌رسد که خویشتن خویش را در آن زمینه و در برابر آن بازتاب‌ها می‌بیند.

بازی‌ها در ترانه‌های عامیانه

بخش قابل توجهی از ادبیات عامیانه و بویژه ترانه‌های عامیانه، به کودکان و امر تربیت و پرورش و سرگرم کردن آنها اختصاص دارد. ساختار این ترانه‌ها و دقت در تنظیم شیوه بیان، بار عاطفی آنها، خصلت انگیزش و هیجان و نتیجه‌گیری آنها موجب حیرت است.

این زمینه‌ها (لالایی‌ها، بازی‌ها، قصه‌ها، ترانه‌های نوازش و...) در مجموعه خود، کتاب پرورش سنتی کودک را در ادب ملی ما تشکیل می‌دهند (احمد پناهی، ۱۳۷۶: ۱۷۵).

مورد دیگری که باید به آن اشاره کرد، الفت انسان با حیوان است که مقوله‌ای کهن در فرهنگ بشری است، و کتاب اوسانه اشاره می‌کند: در ترانه‌های کودکان بیشتر جانوران دست‌اندر کار هستند، حرف می‌زنند و کار آدم‌ها را می‌کنند، مثل ترانه‌بازی ذیل:

Raftam be bâqi , didam qalâči

رفتم به باغی، دیدم غلاچی

Sareš boride , xuneš čekide

سرش بریده، خونش چکیده

Raftam bâlâtâr , didam mâhigir

رفتم بالاتر، دیدم ماهی‌گیر

Goftam mahigir , yek mâhi begir	گفتم ماهی گیر ، یک ماهی بگیر
Raftam bâlâtar , didam tirandâz	رفتم بالاتر، دیدم تیرانداز
Goftam tirandâz , yek tir biyandâz	گفتم تیرانداز، یک تیر بینداز
Raftan bâlatar , didam mârmulak	رفتم بالاتر، دیدم مارمولک
Goftam marmolak , eydat mobarak	گفتم مارمولک، عیدت مبارک

واژه‌ها: غلاچ: (کلاغ)

جمع بندی

همانطوریکه ملاحظه شد یکی از تبلورهای ادبیات شفاهی در حوزه فرهنگ عامه ترانه‌ها هستند که در منطقه الموت یا خشکه رودبار مثال‌ها و نمونه‌هایی از آنها آورده شد. در این متن مشخصاً به ترانه‌های کودکان اشاره شد و به ذکر انواع آنها که در دو قسمت لالایی و ترانه‌های بازی آمده است پرداخته شد. این ترانه‌ها متأثر از فضای فرهنگی و ساختارهای اجتماعی زمانه خود بودن عامه مردم در این ترانه‌ها به بیان خواست‌ها، نیازها و ارزش‌های خود می‌پرداختند.

منابع

الف - کتاب

- ۱- احمد پناهی سمنانی، محمد، **ترانه‌های ملی ایران** (سیری در ترانه و ترانه‌سرایی در ایران) تهران: مؤلف، چاپ دوم، ۱۳۶۸
- ۳- آقامحمدی، محمد، **فرهنگ مردم ابهر**، تهران: مؤلف، ۱۳۷۴
- ۴- توسلی، غلامعباس، **نظریه‌های جامعه‌شناسی**، تهران: سمت، ۱۳۶۹
- ۵- دانیل بتیس و فردپلاگ، **انسان شناسی فرهنگی**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نی، ۱۳۷۰
- ۶- دهخدا، علی‌اکبر، **لغتنامه**، ج ۷

- ۷- روح‌الامینی، محمود، مبانی انسان‌شناسی (گرد شهر با چراغ)، تهران: عطار، چاپ چهارم، ۱۳۷۵
- ۸- شمیسا، سیروس، انواع ادبی، پیام‌نور، ۱۳۷۴
- ۹- فرجاد، محمدحسین، جزوه درسی نظریه جامعه‌شناسی.
- ۱۰- فکوهی، ناصر، تاریخ اندیشه در نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران: نی، ۱۳۸۱
- ۱۱- مستوفی، حمداله، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲
- ۱۲- نصیری جامی، حسن، ترانه‌های کهن شرقی، محقق، ۱۳۸۰
- ۱۳- هدایت، صادق، نوشته‌های پراکنده، تهران: ثالث، ۱۳۷۹
- ۱۴- یارشاطر، احسان، راهنمای اطلس زبان‌شناسی ایران، بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۴۰

ب - مقاله

- ۱- روح‌الامینی، محمود، ۱۳۸۰ «گستره فرهنگ و فولکلور» کتاب ماه هنر.
- ۲- زرین‌کوب، غلامحسین، ۱۳۷۹، «افسانه‌های عامیانه از دیدگاه زرین‌کوب کتاب ماه هنر، تاریخ و جغرافیا، سال سوم، شماره یازدهم
- ۳- گورگین، تیمور، «تاریخچه و سرگذشت لالایی در زبان‌ها، لهجه‌ها و گویش‌ها»، روزنامه اطلاعات، شماره ۱۷۶۰۸-۱۷۹۲۰
- ۴- مفلّی، روح‌ا...، ۱۳۸۰، «پژوهش در ادبیات شفاهی و تأثیر آن بر درام»، مقاله فصلنامه هنر، شماره ۴۸.
- ۵- میرعابدینی، ابوطالب، «لالایی»، فصلنامه مردم، ۱۳۸۱
- ۶- نیکویه، محمود، ۱۳۸۰ «روایتی عامیانه از گهواره تا گور»، کتاب ماه هنر، شماره ۴۰.
- ۷- همایونی، صادق، ۱۳۸۰، «مردم و ترانه‌های محلی»، کتاب ماه هنر.

ج- پایان نامه

البرزی ورکی، پرویز، ۱۳۶۹، بررسی گویش الموت، به راهنمایی علی محمد کاردان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی